

## پانویسی و کتابنامه نویسی

ناصر کوهزاد

زیر نظر: دکتر سبکروح

### خلاصه مقاله

پانویسی و کتابنامه نویسی بخشی از نوشته تحقیقاتی است که برای دادن اطلاع بیشتر یا اعتبار بخشیدن به نوشته فراهم می‌شود، هدف از این پژوهش روشن نمودن وضعیت دستورالعمل‌های کتابنامه نویسی و پانویسی فارسی در مقایسه با استاندارد آن است. فرضیات پژوهش بیان می‌کند که دستورالعمل‌های کتابنامه نویسی از نظر عناصر مداخل و نظم آن با همدیگر هماهنگی نداشته و بیشتر از استاندارد «الف» تبعیت نمودند. با تحقیق توصیفی اطلاعات ۲۷ منبع (دستورالعمل‌های فارسی) از سال ۱۳۵۰ به بعد با استفاده از جدول‌ها و کتاب «دستورالعمل بررسی نویسندگان در تهیه مقاله، پایان‌نامه‌ها و رساله دکتری» تألیف کیت ال. تورابین و یرایش چهارم (به نام استاندارد الف) و پنجم (استاندارد ب) و «آئین نگارش» تألیف مارتال. من‌هایمر (به نام استاندارد ج) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق و آزمون F انجام شده در تفاوت

- 
- ۱ - مقایسه دستورالعمل‌های موجود کتابنامه نویسی و پانویسی کتب فارسی از نظر رعایت مقررات و ضوابط استاندارد «عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع رسانی» است که در دانشگاه تربیت مدرس از آن دفاع گردیده و علاقه‌مندان برای کسب اطلاع بیشتر می‌توانند به آن منبع یا به محقق مراجعه کنند.



در صد واریانس نشان می‌دهد که تفاوت دو گروه (الف و ب) و (الف و ج) معنی‌دار است و بدین معنی است که بیشتر مدارك اتر استاندارد «الف» تبعیت کرده‌اند. در بررسی انجام شده، تنها ۴ مدرك (۱۵٪ کل مدارك) با هم و با استاندارد الف و ب هماهنگ هستند و ۲۳ مدرك دیگر (۸۵٪ کل مدارك) با همدیگر هماهنگی ندارند و براین اساس فرضیات تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

پیشنهاد می‌شود فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران با هماهنگی ۸ پژوهشگران علوم کتابداری، دستورالعمل استاندارد را تهیه و جهت اجراء به جامعه پژوهشی کشور اعلام نماید.

### مقدمه

برای دستیابی به کتابها، گزارشها، مقاله‌ها، سمینارها، سالنامه‌ها، مقاله‌های نشریه و مجله، مقاله‌های دایرةالمعارفها، روزنامه‌ها، نقد، مصاحبه، میکروفرم‌های مواد منتشر نشده، موسیقی، صدای ضبط شده، نوار ویدئویی، آثار هنری تهیه شده در کتابها و ارجاع برای استفاده از چند منبع در يك یادداشت راههای متفاوتی وجود دارد. یکی از راههای دستیابی پانویس‌ها و کتابنامه‌ها هستند. پانویس‌ها و کتابنامه‌ها و اصولاً شیوه‌های استناد به عنوان قسمتی از کار مهم يك پژوهشگر در بسیاری از کتابهای روش تحقیق، آئین نگارش و آئین گزارش‌شنویسی بسنه به توجه نویسنده کتاب در اهمیت آن، گاه به اجمال و گاهی مشروح آمده است؛ حتی بعضی از نویسندگان، فصلی را به این امر مهم یعنی شیوه‌های سندآوری اختصاص داده‌اند. هر تعبیری که از معرفت داشته باشیم، يك اصل مهم، آن را به دیگر دانسته‌های آدمی متمایز می‌سازد و آن هم وجود تفکر منطقی و سیر استدلالی آن است.



حقیقت این است که زمانی می‌توان نوشته‌ها را به عنوان يك کار علمی در معرض دید علاقه‌مندان به معرفت قرارداد که زبانی روشن و گویا داشته باشد و همچنین بتواند درستی گفته‌ها و نوشته‌ها را با استناد درست نشان دهد.

اصطلاح «روش علمی» از يك سو، ناظر به شیوه استناد و ارجاع به منابع و مآخذ و یا به عبارت دیگر، چگونگی نوشتن پانویس‌ها و کتابنامه‌هاست. از آن جهت که شکل درست و منطقی و نحوه استفاده پژوهشگر در تمامی مراحل استفاده و تکمیل معلومات در جهت رفع نادانیهاست، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

### بیان مسئله:

مطالعه مقدماتی انجام شده بیانگر این مطلب است که غالب دستورالعملهای آشفته و پراکنده فارسی، شیوه‌های ارجاع را مطرح کرده‌اند، در حالی که نظم درستی ندارند.

هرگاه محقق تصادفاً با یکی از منابع روش تحقیق، آیین نگارش، آیین گزارش نویسی و راهنماهای گزارش نویسی و... برخورد نموده است، شیوه‌های مطرح شده در آن منبع را به عنوان حجت و مدرک مورد قبول در نحوه استناد پذیرفته و از آن تبعیت می‌کند.

مهمتر اینکه در میان دستورالعملهای کتابنامه نویسی فارسی سبک واحدی حاکم نمی‌باشد. محقق ممکن است به دلایل زیادی پانویس را در تحقیق و نوشته‌های خویش به کار برد، گاهی ممکن است توضیحاتی را درباره فردی ضروری بداند که اگر در متن ذکر کند موجب قطع رشته کلام و نیز ممکن است به عنوان قدردانی یا برای افزایش می‌شود، اطلاعات متخصصین پیرامون موضوع تحقیق مدارکی را در پانویس معرفی کند. از آن جهت که نوشته‌های تحقیقاتی گزارشهای مستند علمی هستند، باید محقق در پانویس ذکر کند که گزارشهای علمی او متکی به کدام منبع و مرجع بوده است. اما همیشه این قاعده حاکم نیست و نمی‌شود ایراد گرفت که چرا عظاملک جوینی در تاریخ جهانگشای خویش ارجاع



نداده است، یا سعدی در گلستان ذکری از منابع و مآخذ ننموده است. «نویسنده عالی‌مقام انگلیسی Van wyck Brooks گفته‌های خود در آن قدر معتبر می‌داند که در کتاب خود Flowering of New England می‌نویسد: «هیچ احتیاجی ندارم که مقام علمی خود را با استناد به نوشته دیگران ثابت نمایم.» (فنائیان، ۱۳۵۱، ص ۸۶)

غیر از نویسندگان طراز اول جهان که عمری را در کار تحقیق و تتبع سیر کرده‌اند و در حوزه تدریس و اشتغال خویش غور و تفحص کرده‌اند و عمیق شده‌اند و به درجه‌ای رسیده‌اند که دارای نظر علمی هستند، اصولاً یک دانشجو یا محقق که در حال تحقیق (حقیقت یابی) است، ارزی کار او در این است که تحقیق خویش را مستند به نظرات دانشمندان و نویسندگان طراز اول نماید. در مورد استناد به کتابهای لاتین، در این تحقیق استانداردهایی انتخاب گردید که خود استنادی و ارجاعی به منبع یا منابعی ننموده‌اند، در عین حال کتاب: "A Manual for Writers of Term Papers, Theses, and Dissertation"

خود دارای ویرایشهای متفاوتی است که ویرایش جدید آن طرحی نو در استناد ارائه نموده است، که خود دلیل پویایی این منبع است. علاوه بر آن ویرایش چهارم ۴۵ مدخل دارد که در ویرایش پنجم به ۶۶ مدخل افزایش یافته است. تحقیقات اولیه نشان نمی‌دهد که استاندارد در زبان فارسی وجود ندارد و لازم است نویسندگان و محققان از یک استاندارد مورد قبول مراجع ذیصلاح آموزش عالی کشور تبعیت کنند. نتیجه اینکه ضمن روشن نمودن وضعیت دستورات عملی فارسی در این پژوهش، نیاز به وجود استاندارد نیز آشکار می‌شود.

### هدف از تحقیق:

هدف از تحقیق، روشن نمودن وضعیت دستورات عملی کتابنامه نویسی و



پانویسی در مقایسه با استاندارد است.

### فرضیات:

دستورالعملهای کتابنامه نویسی و پانویسی از نظر عناصر مدخلها و نظم آنها با همدیگر هماهنگی ندارند. دستورالعملهای مورد نظر بیشتر از «تورابین» ۱۹۷۳ تبعیت نمودند.

### سوالات تحقیق:

برای دستیابی به هدفهای فوق ناگزیر از انتخاب وسائل و راه و روشهایی است یکی از این ابزار، سئوالاتی است که پاسخ به آنها محرك و مشوق رسیدن به هدف است. سئوالات مطرحه در این پژوهش عبارتند از:

دستورالعملهای کتابنامه نویسی و پانویسی کتب فارسی از کدام استاندارد پیروی کردند؟

آیا بین دستورالعملهای کتابنامه نویسی و پانویسی فارسی یکدستی وجود دارد؟

آیا سایر کتب تألیفاتی صاحبان دستورالعملهای فارسی از استاندارد خویش تبعیت کردند؟

### روش پژوهش:

روش پژوهش توصیفی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، اطلاعات کتابنامه نویسی و پانویسی ۲۷ منبع که شامل کتابهای آیین نگارش، آیین گزارش‌نویسی و کتابهای روش تحقیق بوده و از سال ۱۳۵۰ به بعد منتشر شده، گردآوری شد و با به کار بستن جدولهای توزیع فراوانی و آزمون، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### استاندارد:

منظور از استاندارد، کتابهای زیر است که از این پس، استاندارد يك به نام

منبع یا استاندارد «الف»، استاندارد «ب» و استاندارد ۳ به نام استاندارد «ج» خوانده می شود:

1. Thrabian, katel. 1973. A manual for writers of Term Papers and Dissertations. 4th ed. Chicago and London: The University of Chicago.
2. Thrabian, katel. A Manual for writers of Term papers, Theses, and Dissertations. 5th ed. Chicago and London: The University of Chicago.
3. Manheimer, Marthal. 1973. Style manual. New york: Marcel Dekker.

### سابقه تحقیق

یکی از اجزای هر رساله، بررسی سابقه موضوع مورد تحقیق است. در زمینه کتابنامه نویسی و پانویسی فارسی تاکنون هیچ گونه تحقیقی در داخل کشور انجام نشده است. گرچه در خارج از کشور تحقیقاتی صورت گرفته است، اما براساس اطلاعات گردآوری شده از بررسی متون خارجی با استفاده از پایگاه های اطلاعاتی، تحقیقات خارجی دارای ویژگیهای زیر هستند:

- ۱- در غالب تحقیقات به نوعی از پانویسی در مطالعات خویش نام برده شده که دقیقاً مرتبط و عین موضوع مورد نظر نبوده است.
  - ۲- تحقیقات و مطالعات انجام شده در خارج نیز در حد کمی صورت گرفته است.
- با این توصیف، برخی از مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع تحقیق در این بخش آورده شده است.

### مقدمه

در حال حاضر به ندرت کتابی وجود دارد که صرفاً از متن تشکیل شده باشد

بسیاری از کتاب‌ها بسته به موضوع آن از پانویسی و کتابنامه نویسی در جهت کمک به خوانندگان استفاده می‌کنند، و این استفاده تقریباً عمر دو هزار ساله دارد، چنانچه اسلومانسون<sup>۱</sup> می‌گوید:

پانویسی از ۷۱ میلادی شروع و در نتیجه جنبش مذهبی رشد نموده و بروز کامل آن در ۱۰۶۶ میلادی و کمی بعد از فتح نرماندی بوده است، هم چنین وی به نقل از فرهنگ اکسفورد استعمال این کلمه را در سال ۱۸۴۱ معرفی نموده است.

(Slomanson 1987, 47)

### اهمیت پانویسی و کتابنامه نویسی

بمنظور بالا بردن سطح مهارت دانشجویان در کشورهای پیشرفته علمی، چگونگی نوشتن پانویسی و کتابنامه نویسی آموزش داده می‌شود، چنانکه لالی<sup>۲</sup> در یافته‌های خویش نشان می‌دهد که هر دانشجو ملزم است مقاله‌ای در دو پاراگراف نوشته و نحوه ارتباط اطلاعات یافته شده در یک منبع را با اطلاعات منبع دوم با استفاده از آیین پانویسی و کتابنامه نویسی آموزش داده شده بخوبی نشان دهد.

(Lally and others 1989)

علاوه بر آن در کشورهای دیگر پانویسی و کتابنامه نویسی و اصولاً استناد به منابع و مآخذ تا آن اندازه از اهمیت برخوردار است، تا جایی که در قالب شوی تلویزیونی به آموزش مواد ترسیمی و تقویت آن می‌پردازد و یکی از عمده مسائل مطرحه در این برنامه‌ها «پانویس‌های کتاب شناختی» است.

(office of Education 1977)

### منطق استفاده از پانویس در نوشته‌های حقوقی

مطالعه‌ای است که نحوه استفاده از پانویسی در نوشته‌های حقوقی را با ذکر

1 - William R. Slomanson.

2 - Johnl lally



- تاریخچه آن بیان داشته و در مورد هدفهای پانویسی موارد زیر را معتبر می‌داند:
- ۱- دادن مأخذ تحقیق به منظور بالا بردن میزان اعتبار کار محقق.
  - ۲- رعایت امانت علمی در استفاده از نوشته‌های دیگران.
  - ۳- توضیح مطالب فشرده متن در جهت رفع ابهام.
  - ۴- ارجاع خوانندگان به منابع دیگر و هدایت آنان افزودن بر آنچه در متن آمده است.

همچنین نشان می‌دهد که شیوه واحد استناد تنها راه پاسخگویی به مشکلات احتمالی در پانویسی است. اسلومانسون می‌افزاید که افراط در ذکر پانویسی باعث تغییر و به هم خوردن یکنواختی متون می‌شود و خواننده از درک روان متن خارج خواهد شد و از نظر وی آنچه مهم است، مراعات پانویسی و همخوانی آن با متون است.

وی از دیدگاه ویرایشگران نیز به نقش و اهمیت پانویسی پرداخته و می‌نویسد: ویرایشگران آمریکایی بیش از دیگران ارزی میانگین پانویس برای هر صفحه از یک نوشته قائل هستند، و در عین حال مقایسه‌ای نیز بین دو جمله آمریکایی و یک مجله انگلیسی را نیز انجام داده است که نظرات وی را تأیید می‌کند. (Slomanson 1987, 47 - 69)

### استادات ناقص در مقالات علمی دانشجویان

استادهای ناقص در مقالات علمی دانشجویان در چهار مؤسسه آموزشی عنبران تحقیقی است درخصوص دانشجویان دانشکده‌ها در استفاده از نحوه استادهای کتابنامه نویسی و پانویسی که از دو دانشکده و دو دانشگاه بزرگ در فاصله بین سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۹ جمع‌آوری گردیده است.

اطلاعات پانویسی و کتابنامه نویسی به «کامل بودن» و «ناقص بودن» کدگذاری گردید. از نظر محققین سنت کلرا<sup>۱</sup> و ماگریل<sup>۲</sup> ارجاع به یک کتاب در صورتی



کامل است که شامل مؤلف، عنوان، ناشر و تاریخ (جای متناسب) باشد و ارجاع به مقاله نشریه در صورتی کامل است که شامل مؤلف (جای متناسب)، عنوان، نام نشریه، تاریخ و شماره صفحه (صفحات) باشد.

نظم مدخلهای پانویسی و کتابنامه نویسی و نقطه گذاریها از نظر آنان نادیده گرفته شده است، و برای هر مقاله علمی در نمونه مدخلها درصد نسبی «ناقص» (تعداد استنادهای ناقص به تعداد کل استنادهای مقاله علمی تقسیم شد) محاسبه و شمارش شد.

یافته‌های پژوهشی سنت کلر نشان می‌دهد که ۸۰٪ از ۱۹۵۸ مقاله علمی استناد ناقص پانویسی و کتابنامه نویسی نداشتند (این امر شامل ۸۴ مقاله علمی که اصلاً استناد نداشتند نیز می‌شود)، در ۴٪ مقالات علمی استناد کامل وجود نداشت، در ۱۰٪ مقالات علمی حداقل  $\frac{1}{3}$  استنادها ناقص بودند و در ۵٪ مقالات حداقل  $\frac{2}{3}$  استنادها ناقص بودند.

سنت کلر برای اینکه مشخص کند بین استنادهای به کار برده شده و تعداد استنادهای ناقص رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ ۱۸۷۴ مقاله‌ای که دارای استنادهایی بوده‌اند را به دو دسته، یعنی آنهایی که بیش از ۵ استناد داشته‌اند، تقسیم نمود. تفاوت بین این دو گروه معنی دار بوده است.

( $t=5.025$ .,  $p < 0.001$ )

نتیجه اینکه نشان می‌دهد هرچقدر که استفاده بیشتر از استناد توسط دانشجو صورت گیرد، میزان استناد کامل بالاتر بوده است.

همین تحقیق نشان می‌دهد در صورتی که دانشجویان فقط به کتابها استناد کنند، میزان استناد ناقص آنها کمتر از زمانی است که فقط به نشریات استناد می‌کنند.

اختلاف بین میانگین درصد استنادهای ناقص بین مقالاتی که هم به کتاب و



هم به نشریه استناد کرده‌اند، با آنهایی که فقط به کتاب یا نشریه استناد کرده‌اند، تفاوت معنی داری را نشان می‌دهد. بررسی مقالات دانشجویان نشان می‌دهد که سالهای سوم و چهارم از نظر کاربرد استنادها وضعیت بهتری داشته‌اند. تست نیومن کولز<sup>۱</sup> بعمل آمده حاکی است که تفاوت معنی داری بین سالهای پایین (اول و دوم) و سالهای بالا (سوم و چهارم) وجود دارد. همچنین در مورد کامل بودن کتابنامه‌ها اختلاف معنی داری بین دانشجویان کالج‌ها و دانشگاهها وجود دارد، اما تفاوت معنی داری بین دو کالج یا دو دانشگاه مشاهده نشده است.

بیشترین درصد استنادهای کامل مربوط است به دانشجویان رشته فلسفه و تاریخ و ناقصترین استنادها به مقالات مذهبی و مقالات انشایی انگلیسی مقدماتی مربوط است.

(ST. clair and Magrill 1990, 75-80)

### تهیه دستور العملها و استانداردهای پانویسی

در بعضی از کشورها بعضی از سازمانها دستور العملهایی برای ویرایشگران و نویسندگان فراهم نموده‌اند، که از آنجمله نمونه‌ای از آن دستور العمل دپارتمان کشاورزی ایالات متحده<sup>۲</sup> است که این دستور العمل در دو قسمت تهیه شده است: قسمت اول آن ناظر بر نکات فنی مربوط به نظم عناصر در استناد و روشهای پانویسی، و قسمت دوم آن، کتابشناسی‌های تهیه شده از پایگاههای اطلاعاتی را نشان می‌دهد. مثالهای ارائه شده در مورد استنادها از AGRICOLA<sup>۳</sup>, CALS<sup>۴</sup>, CRIS<sup>۵</sup> می‌باشد.

(US Department of Agriculture National Agricultural Library 1982)

1 - New man - Keuls

2 - Us Department of Agriculture.

3 - Agricultural on - Line Access.

4 - Current Awareness Literature Service.

5 - Current Research Information system.



در بعضی از کشورها، استاندارد استفاده از پانویسی و ارجاعات کتابشناختی در مقالات علمی دانشگاهی ایجاد شده است. مطالعه اشمیت<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که در برزیل آیین پانویسی و کتابنامه نویسی متفاوتی از نشریات خارجی به کار برده می‌شود. وی اضافه می‌کند که برای رفع مشکلات، استاندارد رسمی در برزیل به وجود آمده است.

(Schmidt 1981)

شرم<sup>۲</sup> نیز در مطالعه خویش ضمن برشمردن نقش استاندارد، اضافه می‌کند که در برزیل سبک و سیاق خاصی در پانویسی به وجود آمده است که ماخوذ از انجمن استاندارد برزیل است.

(Schirm and others 1989)

۸

### یافته های تحقیق

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که تنها یک مدرک (۴٪ کل مدارک) ۶۷ درصد کل نمونه پانویس مدخلها در استاندارد «الف» را داراست، ۵ مدرک (۱۹٪ کل مدارک) بیشتر از  $\frac{1}{3}$  کل مدخلها و ۱۷ مدرک (۶۳٪ کل مدارک) کمتر از  $\frac{1}{3}$  کل مدخلها را دارا بوده‌اند. در بین این مدارک ۹ مدرک (۳۳٪ کل مدارک) فقط یک نمونه پانویس داشته‌اند و مدارک (۴، ۱۳، ۱۹، ۲۲، ۲۴) فاقد نمونه برای پانویس هستند. میانگین تعداد نمونه پانویسها تقریباً ۶ مدخل (۱۳٪ کل مدخلها) بوده است.

همین جدول نشان می‌دهد که تنها یک مدرک (۴٪ کل مدارک) ۶۷ درصد کل نمونه کتابنامه مدخلها در استاندارد «الف» را دارا بوده است، ۳ مدرک (۱۱٪ کل مدارک) بیشتر از  $\frac{1}{3}$  کل مدخلها و ۱۸ مدرک (۶۷٪ کل مدارک) کمتر از  $\frac{1}{3}$  کل مدخلهای مورد استناد را دارا بوده‌اند. از بین این مدارک، ۳ مدرک تنها یک نمونه برای کتابنامه داشته و ۶ مدرک (۳، ۵، ۷، ۱۲، ۱۸، ۲۵) فاقد نمونه برای کتابنامه

1 - Susana Schmidt.

2 - Helena Schirm.



جدول شماره ۱- توزیع فراوانی مدخلهای موجود در مدارک مورد بررسی در مقایسه با استاندارد

«الف» و «ب» و «ج»

مدخل های معرفی شده

شماره مدارک	استاندارد الف (میدخل)				استاندارد ب (مدخل)				استاندارد ج (مدخل)			
	پانویس		کتابنامه		پانویس		کتابنامه		پانویس		کتابنامه	
	دارد	ندارد	دارد	ندارد	دارد	ندارد	دارد	ندارد	دارد	ندارد	دارد	ندارد
۱	۴	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۲	۱۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۳	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۴												
۵	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۶	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۷	۵	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۸	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۹	۴	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۰	۳۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۱۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۳												
۱۴	۱۸	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۱۵	۶	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۱۶	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۷	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۱۸	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۱۹												
۲۰	۱	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۲۱	۲۰	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
۲۲												
۲۳	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۲۴												
۲۵	۶	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۲۶	۱۸	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
۲۷	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶



بوده‌اند. میانگین تعداد کل مدخلهای کتابنامه نویسی مدارك تقريباً ۵ مدخل (۱۱٪ کل مدخلها) بوده است.

همین جدول نشان می‌دهد که تنها يك مدرك (۴٪ کل مدارك) ۴۵ درصد از کل نمونه پانویس مدخلها در استاندارد ب را دارا و ۲۱ مدرك (۷۸٪ کل مدارك) کمتر از  $\frac{1}{3}$  کل نمونه مدخلها را ارائه داده است. از بین این مدارك، ۹ مدرك (۳۳٪ کل مدارك) فقط يك نمونه و ۵ مدرك (۴، ۱۳، ۱۹، ۲۲، ۲۴) فاقد نمونه برای پانویس بوده‌اند.

در بخش استناد به کتابنامه نویسی استاندارد ب، تنها يك مدرك (۴٪ کل مدارك) ۴۵ درصد از کل نمونه کتابنامه مدخلها را دارا بوده است و ۲۰ مدرك (۷۴٪ کل مدارك) کمتر از  $\frac{1}{3}$  کل مدخلهای مورد استفاده را داشته‌اند. از بین این تعداد، ۳ مدرك تنها يك نمونه و ۶ مدرك (۳، ۵، ۷، ۱۲، ۱۸ و ۲۵) فاقد نمونه برای کتابنامه نویسی بوده‌اند.

همین جدول نشان می‌دهد که تنها يك مدرك (۴٪ کل مدارك) با ۳۴ درصد بیش از  $\frac{1}{3}$  کل نمونه مدخلهای مورد استفاده در استاندارد ج را دارا بوده است و ۱۹ مدرك (۷۰٪ کل مدارك) کمتر از  $\frac{1}{3}$  کل نمونه مدخلها را ارائه داده‌اند. از بین این تعداد، ۵ مدرك (۱۹٪ کل مدارك) يك نمونه و ۷ مدرك (۳، ۴، ۶، ۱۲، ۱۳، ۱۸ و ۱۹) فاقد نمونه بوده‌اند. میانگین تعداد مدخلها در کل مدارك در قیاس با استاندارد «ج» ۳ مدخل (۸٪ کل مدخلها) بوده است.

تمامی مدارك با حداقل يك مدخل در الگوی «الف» و «ب» سهم بوده (سهم استناد ۱۰۰٪). اما سهم مدارك در ارجاع به استاندارد ج ۷ مدرك کمتر، یعنی ۲۰ مدرك (۷۴٪ کل مدارك) بوده است. آزمون F استفاده شده و نتایج آن نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه درصد واریانس استنادهای استاندارد الف در بخش پانویسی با استاندارد ب در بخش پانویسی در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار بوده است ( $F = ۳/۴۷$ ). همچنین با تحلیل درصد واریانس مدارك تطبیق داده شده استاندارد الف با استاندارد ج، تفاوت دو گروه در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار بوده است ( $F = ۳/۳۳$ ). این امر نشان می‌دهد که بیشتر مدارك از استاندارد الف پیروی کرده‌اند و به



جدول شماره ۲- توزیع فراوانی انواع کلی عناصر موجود در استاندارد «الف»

نام انواع کلی و تعداد \*

شماره درج	کتابها		مقالاتها		مقالمسئله		سالنامه		مقاله‌نشری		نظریه		روزنامه		ماهنامه		مواد منتشر نشده		
	کتابها		مقالاتها		مقالمسئله		سالنامه		مقاله‌نشری		نظریه		روزنامه		ماهنامه		مواد منتشر نشده		
	کتابها	نویس	کتابها	نویس	کتابها	نویس	کتابها	نویس	کتابها	نویس	کتابها	نویس	کتابها	نویس	کتابها	نویس	کتابها	نویس	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	۱۶	۱۰۰																	
۲	۳۸۷	۱۰۰																	
۳																			
۴																			
۵																			
۶																			
۷																			
۸																			
۹																			
۱۰	۱۸	۱۰۰																	
۱۱	۸	۱۰۰																	
۱۲																			
۱۳																			
۱۴	۱۰	۱۰۰																	
۱۵																			
۱۶																			
۱۷																			
۱۸																			
۱۹																			
۲۰																			
۲۱																			
۲۲																			
۲۳																			
۲۴																			
۲۵																			
۲۶																			
۲۷																			

\* درصد نسبت به کل عناصر موجود در انواع کلی سنجیده شده است



جدول شماره ۳- توزیع فراوانی نظم عناصر نمونه‌های معرفی شده در مدارک مورد بررسی با توجه به

استانداردهای «الف» و «ب» و «ج»

مدخل‌های معرفی شده													شماره مدارک
استاندارد «ج»			استاندارد «الف» و «ب»										
			کتابنامه						پانویس				
ندارد		دارد	ندارد		دارد	ندارد		دارد	ندارد		دارد		
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
					۱۰۰	۲	۲			۱۰۰	۴	۴	۱
		۱۰۰	۵	۵	۱۰۰	۱۰	۱۰			۱۰۰	۱۰	۱۰	۲
										۱۰۰	۱	۱	۵
										۱۰۰	۵	۵	۷
					۱۰۰	۱	۱			۱۰۰	۱	۱	۸
					۱۰۰	۳۰	۳۰			۱۰۰	۳۰	۳۰	۱۰
					۱۰۰	۴	۴						۱۳
					۱۰۰	۱۱	۱۱			۱۰۰	۱۸	۱۸	۱۴
					۱۰۰	۱۱	۱۱						۱۹
					۱۰۰	۱	۱			۱۰۰	۱	۱	۲۰
					۱۰۰	۱	۱			۱۰۰	۲۰	۲۰	۲۱
					۱۰۰	۱	۱						۲۲
					۱۰۰	۱۱	۱۱			۱۰۰	۱۱	۱۱	۲۳
					۱۰۰	۵	۵						۲۴
										۱۰۰	۳	۳	۲۵
					۱۰۰	۱۹	۱۹			۱۰۰	۱۸	۱۸	۲۶
		۱۰۰	۳	۳	۱۰۰	۲	۲			۱۰۰	۱۶	۱۶	۲۷
			۲	۲						۴۸	۱۳		جمع

$$H_0 : G_1^2 = G_2^2$$

$$H_1 : G_1^2 \neq G_2^2$$







این ترتیب فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد.

جدول ۲ نشان می‌دهد که کلیه مدارك از لحاظ مقایسه درصدهای استناد در استاندارد «الف» با «ب» در مقوله‌های ارائه شده «گزارشها»، «دایرة المعارفها»، «روزنامه‌ها» با هم مساوی هستند، در بقیه انواع کلی دهگانه (۷ مقوله) روی آوری و ارجاع مدارك به استاندارد «الف» بیش از استاندارد «ب» است که يك بار دیگر فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۳ نشان می‌دهد که از ۲۷ مدرك مورد بررسی ۱۳ مدرك (۴۸٪) در پانویس و ۱۴ مدرك (۵۲٪) در کتابنامه نویسی از نظم استاندارد «الف» و «ب» پیروی نمودند. ناگفته نماند نسبت نظم مدخلهای ارائه شده در بین این مدارك با کل مدخلهای موجود آن ۱۰۰ درصد است. به عبارت ساده‌تر، هریک از مدارك به هر تعداد مدخلی که ارائه نموده است، دارای نظم بوده است. همین جدول نشان می‌دهد که نسبت نظم مدخلهای ارائه شده ۲ مدرکی (۷٪) که از استاندارد «ج» تبعیت نموده‌اند، با مدخل موجود آن ۱۰۰ درصد است. تفاوت درصد واریانس نظم مدارك مورد بررسی تطبیق داده شده پانویس استاندارد «الف» با نمونه استاندارد «ج» در سطح ۰/۰۱ معنی دار بوده است ( $F = ۳۱/۵۳$ ).

همچنین تفاوت درصد واریانس نظم نمونه پانویس مدارك تطبیق داده شده استاندارد «الف» با استاندارد «ب» در سطح ۰/۱۰ معنی دار بوده است ( $F = ۲/۱۳$ ). بنابراین، فرضیه پژوهش بار دیگر مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول ۴ نشان می‌دهد که تنها ۶ مدرك ۲۲ درصد از نظر کامل بودن عناصر نمونه‌ها در پانویسی و ۵ مدرك ۱۹ درصد در کتابنامه نویسی از استانداردهای «الف» و «ب» پیروی کرده‌اند، در حالی که هیچ مدرکی با استاندارد «ج» کامل نیست.

نسبت کامل بودن عناصر مدخلهای ارائه شده در بین این مدارك با مدخلهای موجود آن، با استثنای مدرك ۲۱ که ۹۰ درصد است، در بقیه مدارك ۱۰۰ درصد است. تنها ۴ مدرك (۱۰، ۱۴، ۲۳، ۲۶) بر طبق این جدول هم در کتابنامه نویسی و



هم در پانویسی از نظر کامل بودن عناصر دقیقاً با هم هماهنگ و در عین حال نسبت به استاندارد «الف» و «ب» نیز کامل هستند.

### بررسی آثار صاحبان دستورالعملها با استاندارد

بررسی سایر آثار دستورالعملهای کتابنامه نویسی و پانویسی کتب فارسی از خود مدرک شروع شده و دیگر آثار بررسی بعد از تاریخ انتشار آن را شامل می شود. بجز منابع ۶ مدرک (۶، ۷، ۱۲، ۱۶، ۱۷ و ۲۶)، بقیه منابع مورد بررسی از استاندارد خودشان تبعیت نمودند. مدرک ۲۵ فقط دارای پانویس و از استاندارد خود تبعیت نموده است. سایر منابع و آثار مدرک ۷ از نظر پانویس و کتابنامه نظم ندارد و کامل هم نیست. از ۳ منبع دیگر مورد بررسی، مدرک ۱۲ (با خود مدرک در جمع ۵ منبع) دارای ۵ پانویس و ۴ کتابنامه است. از ۵ پانویس ۴ مورد کامل و از ۴ کتابنامه ۳ مورد کامل است. از منابع مورد بررسی مدرک ۲۶، ۵ منبع در پانویس فاقد نظم بود و یک منبع از ۵ منبع در کتابنامه نویسی نیز کامل نبود. تعداد کل منابع مورد بررسی ۶۶ عنوان بوده که ۲۷ عنوان مدارک منتخب اولیه و ۳۹ منبع از دیگر آثار صاحبان دستورالعملهای فارسی بوده است. ۶۰ منبع (۹۱٪ کل منابع) از استاندارد خود پیروی نمودند.

### خلاصه یافته‌ها و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهند که میانگین مدخلهای ارائه شده در بین ۲۷ مدرک مورد بررسی کمتر از نیمی از مدخلهای موجود استانداردهای مورد نظر در این بررسی است. بالاترین درصد مدخلهای ارائه شده در استاندارد «الف» ۶۷ درصد، در استاندارد «ب» ۴۵ درصد و در استاندارد «ج» ۳۴ درصد بوده است. هیچ مدرکی در مقایسه با استاندارد «ج» کامل نبوده است. ۱۵٪ کل مدارک (۴ مدرک ۱۰، ۱۴، ۲۳، ۲۶) از لحاظ وجود عناصر، ترتیب و نظم و کامل بودن در کتابنامه نویسی و پانویسی دقیقاً با هم و با استاندارد «الف» و «ب» هماهنگ بودند.



۸۵٪ مدارك مورد بررسی از لحاظ کتابنامه نویسی و پانویسی پراکنده و از نظم یکنواخت و یکدست برخوردار نبوده‌اند.

حاصل کلام این که هیچ يك از مدارك مورد بررسی در این پژوهش جوابگوی همه مواردی که در استاندارد موجود بوده است، نیست، و در عین حال هیچ يك از مدارك بتنهایی نمی‌تواند به عنوان مرجع لازم و کافی برای استناد در نوشته‌های تحقیقی فارسی مورد استفاده قرار گیرد.

### پیشنهادهای

برآیند مجموعه بی‌نظمی‌ها و از هم گسیختگی‌های دستورالعمل‌های فارسی مورد تحقیق گویای این حقیقت است که:

اولاً - باید از يك استاندارد تبعیت نمود.

ثانیاً - از راحتترین آنها پیروی کرد.

براین اساس، پیشنهاد می‌شود فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران با هماهنگی اساتید و پژوهشگران علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دستورالعملی به عنوان استاندارد برای پژوهشگران در سطوح مختلف دانشگاهی و تحقیقاتی، سازمانها، نهادها، مؤسسات، کتابخانه‌ها، بانک‌های اطلاعاتی و ... تهیه و جهت اجراء اعلام نماید.

پیشنهاد می‌شود که از شیوه «درون‌متنی» که به دلایل عدیده‌ای بر دیگر شیوه‌های مرسوم ارجح است استفاده شود، از آنجمله که:

۱- سبب تقلیل حجم کتاب است، زیرا با تغییرات پانویسی بسیاری از ارجاعات طولانی حذف خواهد شد.

۲- از يك طرف سهولت تهیه ارجاع «درون‌متنی» سبب روی آوردن بسیاری از پژوهشگران به آن خواهد شد.

۳- و از طرف دیگر از بسیاری از دشواری‌هایی که در تنظیم پانویس‌ها به وجود می‌آید کم شده، یکدستی کار حاکمیت پیدا می‌کند.

۴- از آوردن اصطلاحاتی نظیر Ibid (همان) و OP. cit (منبع پیشین)



خودداری خواهد شد.

۵- در عین حال يك مدخل نیز در فصول مختلف تکرار نخواهد شد. اگرچه آوانویسی بسیاری از ناهای به فارسی مورد اختلاف است و ارجاع دقیق و منطقی خود را از دست خواهد داد اما محقق براین باور است که برای پرهیز از دشواریها و تنگنایهای اعمال شده شوهای متفاوت پانویسی که سبب سردرگمی و بی نظمی و آشفتگی است، این شیوه ارجاع به همان فرم نام فرنگی در نوشته های فارسی) به کار رود، که هم منطقی و هم دقیق است.

### کتابنامه

یده ای، فریدون. روش نوشتن پانویس و کتابنامه ها در نوشته های تحقیقاتی تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰.

حری، عباس. آیین گزارش نویسی. تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه های عمومی کشور، ۱۳۷۱.

فنائیان، لواء اله. روش تحقیق. تهران: تهران مصور، ۱۳۵۱.

Lally, John L. and others. Developing alitrary module for a compensatory section of a social selence core course, New york 1989. ERIC, ED 306 159.

Office of education. Villa alegre learning Guide: series 300, California 1977. ERIC, ED 342 220.

Schirm, Helena, Montanari velloso, and de Queiroz o:toni M.c. Rublger. Citetions and footnote. their role in scientfic and technical papers, IB (I) Mar 1989 Lisa 91 - 2067.

Schmidt, Susana. Standardissation in use of foctnotes and bibliographic references in academic papers, 9(I) Jan- June 1981. LISA B3 - 855.



Slomanson, william R. The bottom line: footnote Logic in Law review writing. Legal Reference services Quarterly, 7(I) spring 1987, 47 - 69.

St. Clair, Gloriana, Magrill, Rose Mary. Incomplete citations in undergraduate Term papers from four campuses. RQ, 30(I) fall 1990. 75 - 81.

US Department of Agriculture National Agricultural Library. Guidelines for the preparation of bibliographies, Mary land. LISA



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتابخانه دیجیتال گامس و تخصصی کتابخانه جامع علوم انسانی

کتابخانه دیجیتال گامس و تخصصی کتابخانه جامع علوم انسانی  
 این کتابخانه دیجیتال گامس و تخصصی کتابخانه جامع علوم انسانی  
 کتابخانه دیجیتال گامس و تخصصی کتابخانه جامع علوم انسانی  
 کتابخانه دیجیتال گامس و تخصصی کتابخانه جامع علوم انسانی  
 کتابخانه دیجیتال گامس و تخصصی کتابخانه جامع علوم انسانی  
 کتابخانه دیجیتال گامس و تخصصی کتابخانه جامع علوم انسانی

1- Library Science

2- National Association of Librarians

3- Association of University and Special Libraries of Hong Kong

4- U.S. Agency For International Development